



آیا زیارت سیدالشهداء علی‌السلام همان زیارت خداست؟

نوشتاری از حجت‌الاسلام والمسلمین حسین عشاقی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه پژوهشگاه

در احادیث زیادی، به این نکته توجه داشته شده است که زیارت پیامبر و ائمه هدی علیهم‌السلام، همان زیارت خداست؛ این ادعا مخصوصاً در مورد حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام بیشتر مطرح شده است؛ به‌گونه‌ای که در کتاب کامل الزیارات (ص ۲۴۷) که از معتبرترین کتب روایی شیعه است، یک باب از این کتاب با عنوان «باب من زار الحسین کان کمن زار الله فی عرشه»، به‌همین موضوع اختصاص داده شده و احادیث متعدد، با مضامین مختلفی در این‌باره روایت شده است؛ در این یادداشت، به تبیین و تحلیل این مطلب می‌پردازیم و روشن می‌کنیم که چرا و چگونه زیارت حضرت سید الشهداء علیه‌السلام مثلاً، همان زیارت خداوند است.

چهار عنصر حیاتی در چرخه تبلیغ دین

گفت‌وگو با آیت‌الله عباس کعبی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

به مناسبت بیانات رهبر انقلاب در دیدار مبلغان و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور و تأکید ایشان بر مسئله تبلیغ به‌عنوان اولویت اول حوزه‌های علمیه پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، در گفت‌وگو با آیت‌الله عباس کعبی از اساتید حوزه و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به بررسی وضعیت فعلی تبلیغ در حوزه‌های علمیه کشور و آسیب‌شناسی آن و ایده‌ها و پیشنهادات کاربردی در این زمینه پرداخته است.



▫ **رهبر انقلاب فرمودند نسبت به مسئله تبلیغ نگرانم و نیاز جامعه در حوزه تبلیغ را بیش از وضعیت فعلی دانستند؛ این اظهار نگرانی از کجا نشأت گرفته است و چگونه باید حوزه‌های علمیه، روی موضوع تبلیغ تکیه‌کنند تا حق مطلب ادا شود؟**

• تبلیغ در قلمروی گسترده‌اش، به‌معنای رساندن پیام دین به مخاطبان و تأثیرگذاری در عرصه تبلیغ ایمان، باورها، ارزش‌های اسلامی و تحکیم پایه‌های آداب، اهداف و نزاکت اجتماعی و سبک زندگی مردم بر پایه دین و رسالت انبیاست. چرخه تبلیغ دین بر پایه چهار عنصر است:

۱. تولید پیام دینی: در تولید پیام دینی بر اساس نگاه جامع به اسلام، شناخت متخصصان، نیازهای زمان و بسط حقایق دینی، باید نظریه‌پردازان، اسلام‌شناسان و مجتهدان صاحب‌نظر تولید پیام دینی کنند.

۲. پالایش پیام دینی: باید گروه دیگری بیایند و پیام

گفتن، به‌خاطر این است که انبیاء و اولیاء الهی علیهم‌السلام، به مقام فنای در حضرت حق رسیده‌اند؛ به‌گونه‌ای که انانیت و هویت‌شان در حضرت حق، فانی شده است و در قبال حضرت حق، هیچ بیگانگی برای آنان باقی نمانده است؛ لذا به‌گونه حقیقی و نه مجازی، هر نحوه ارتباط با آنان همان ارتباط با خداست؟

با دقت در خود آیه بیعت که حضرت رضا علیه‌السلام به آن استناد کردند، می‌توان پاسخ به این پرسش را از خود آیه استخراج نمود. بیانش این است که کلمه ائما در جمله «إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ» موجب حصر در مفعول «یُبایعون» است؛ بر اساس این حصر، آنان که با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیعت می‌کنند، فقط و فقط و انحصاراً با خدا بیعت می‌کنند؛ این معنای ائما در این جمله است؛ اما این انحصار در صورتی تحقق می‌یابد که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هیچ آنانیتی مغایر با هویت خداوند در او باقی نمانده باشد؛ بلکه کاملاً در حضرت حق، فانی شده باشد؛ زیرا اگر هرگونه هویت مغایری برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم باقی باشد، باید گفت طبق فرض، بیعت‌کنندگان با دو شخصیت متغایر بیعت می‌کنند و نه منحصراً با خدا؛ و این خلاف حضری است که در آیه آمده است؛ بنابراین باید گفت، آنانیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کاملاً در حضرت حق، فانی گشته و از ین‌رو اسناد هر فعلی و ارتباطی به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حقیقتاً و بدون هرگونه مجازگویی، اسناد حقیقی به خداوند است. این مقام فنای در حضرت حق، اختصاص به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ندارد؛ بلکه ائمه اطهار علیهم‌السلام که از اولیای الهی هستند نیز، به مقام فنای در حضرت حق نائل شده‌اند؛ بنابراین همان رابطه‌ای که برای پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اثبات شد، برای ائمه اطهار و از جمله حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام نیز محقق است؛ از ین‌رو اسناد هر فعلی و ارتباطی به ائمه اطهار علیهم‌السلام واقعاً اسناد حقیقی به خداوند است و لذا در روایاتی که قبلاً اشاره شد، زیارت ائمه و مخصوصاً زیارت حضرت سید الشهداء علیهم‌السلام حقیقتاً و بدون هرگونه مجازگویی زیارت خداست و این نکته‌ای است که با جمالتی نظیر آنچه در ادامه خواهد آمد، در آن روایات به آن اشاره را تصریح شده است:

۱. «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام يَوْمَ عَرَفَةَ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرَشِهِ» (هر کس در روز عرفه حسین علیه‌السلام را زیارت کند، همانند آن است که خدا را در عرشش زیارت کرده است).
۲. «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ علیه‌السلام فِي الْتَّصِفِ مِنْ شَجَبَانَ... هُوَ فِي خَيْرٍ مِّنْ زَارِ اللَّهِ فِي عَرَشِهِ» (هر کس در نیمه شعبان حسین علیه‌السلام را زیارت کند، او در جایگاه کسی است که خدا را در عرشش زیارت کرده است).
۳. «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِاللَّهِ علیه‌السلام بِشَطِّ الْفَرَاتِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ كَرْبَلَه» (هرکس اباعبدالله حسین علیه‌السلام را در کنار شط فرات زیارت کند، همانند آن است که خدا را در بالای کرسی فرمان‌روایش زیارت کرده است).

صرف سیاست‌گذاری‌های کلان و خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی تبلیغی، بدون اینکه راهبردها و برنامه‌ها به عملیات اجرایی تبدیل شود، چاره‌ساز نخواهد بود.
▫ **در سخنان رهبر انقلاب بر این محور که اگر حوزه‌های علمیه از اهمیت تبلیغ و حساسیت آن غفلت کنند، ممکن است دچار عارضه‌ای شویم که جبرانش به‌آسانی ممکن نیست و استحال‌ه فرهنگی رخ می‌دهد، تأکید شده است. بی‌توجهی به جایگاه تبلیغ دینی، چگونه به استحال‌ه فرهنگی منجر می‌شود؟**

• امام در مواردی مکرر می‌فرمودند: اگر یک اتفاقی بیفتد، اسلام یک سیلی‌ای خواهد خورد که تا سال‌ها اثر منفی‌اش باقی خواهد ماند؛ قضیه این است. تبلیغ دین به حفظ و تقویت هویت فرهنگی کمک می‌کند. بایک نگاه جامع، هدفمند و تأثیرگذار بر مردم، حوزه‌های علمیه هم، تبلیغ را در درجه اول اهمیت قرار می‌دهند. نباید تبلیغ را به‌عنوان یک حرفه و مهارت نگریست که قشر خاصی از حوزه مشغول آن شوند و بزرگان و افراد صاحب‌نظر از تبلیغ معاف باشند.

همه باید تبلیغ کنند و تبلیغ دین را وظیفه خود بدانند؛ چون تبلیغ رسالت انبیاست و «إن العلماء ورثة الانبیاء». تبلیغی اثرگذار خواهد بود که با عمق، محتوا، تناسب با مخاطب، روحیه جهادی و حرکت فراگیر مردمی صورت بگیرد تا در جامعه نتیجه بدهد.

▫ **رهبر انقلاب بر اهمیت مسئله شناخت مخاطب در تبلیغ دینی تأکید کردند. امروز مخاطب ما با دهه‌های گذشته چه تفاوتی کرده است و چه ظرفیت‌هایی برای تبلیغ بیشتر وجود دارد؟**

• بدون شناخت مخاطب که پسر، دختر، نوجوان، جوان، کارگر، کشاورز، مهندس، پزشک، معلم، روحانی، نجبه، استاد دانشگاه، دانشجو، دانش‌آموز و... است، نمی‌توان مواد خام تبلیغی را برای همه به‌شکل کلی بیان کرد. برای یک تبلیغ مؤثر، ابتدا بایستی به‌شکل مصداقی، جزئی و متناسب با نیاز، مواد و محتوای تبلیغی را تولید کرد؛ لذا تبلیغ بدون مخاطب‌شناسی مؤثر نخواهد بود. رهبر معظم انقلاب با بیانات‌شان در دیدار با مبلغان که فرمودند:اولویت اول حوزه تبلیغ است و اهداف دین خدا، جز با تبلیغ دین تحقق پیدا نمی‌کند. با بزرگان و متولیان امر تبلیغات دینی اتمام حجت کردند. تحول در عرصه تبلیغ با تشکیل یک فراگاه مرکزی و کانون‌های بزرگ تبلیغی که در آنها مجتهدان، هنرمندان، خط‌مشی‌گذاران، راهبرد نویسان و کسانی که بتوانند، پایش جامعه هدف را به عهده بگیرند و از راه‌های نوین تبلیغی و شبکه‌های اجتماعی گسترده استفاده کنند، امکان‌پذیر است و البته کار تبلیغ نیازمند پشتیبانی محکم علمی است.



التزام به شرع

آیت‌الله

حاج آقامجتبی تهرانی رحمته‌الله

از ظاهر شریعت باید شروع کرد. از شکل و شمایل، پوششت و صحبت کردند باید شروع کنی، تا برسی به روابطی که با دیگران داری؛ همه اینها باید بر اساس شرع تنظیم شود تا باطن اصلاح گردد.

• **انسانیت در گروی التزام به شرع است**

ما تعبیراتی از اهل معرفت داریم که مثلاً امام روح‌الله‌میرزا - که البته من هرچه دارم، از استادم دارم- می‌گویند: «بدان که هیچ راهی در معارف الهیه پیموده نمی‌شود؛ مگر آنکه انسان ابتدا کند، از ظاهر شریعت و تا انسان مؤدب به آداب شریعت حقه نشود، هیچ‌یک از اخلاق حسنه (که همان انسانیت است) از برای او، به حقیقت پیدا نشود و نور معرفت الهی در قلب او تابش نکند». این جملات هم به بُعد معنوی مسأله اشاره می‌کند.

• **شرع یعنی آداب ظاهری که انسان‌ساز است**

منظور امام از آداب ظاهریه همین احکام شرعیه است. اینها آدم‌ساز است. من کاری به جنبه‌های معنوی آن ندارم. اصلاً خود این احکام، آدم‌ساز است. در بُعد انسانی، انسانیت را شکوفا می‌کند. باید ظاهر انسان، شکل و شمایلش، لباس‌های تن او، حرف‌ها، رفتارها، دیده‌هایش، همه و همه در محدوده احکام شرعیه باشد تا انسانیتش شکوفا شود.

• **ضرورت آموزش ظواهر به فرزندان**

الآن درباره تربیت فرزند در محیط خانوادگی بحث می‌کنیم؛ چون روایات آن را هم قبلاً اشاره کرده‌ام، دوباره تکرار نمی‌کنم؛ ولی دیدید که تربیت فرزند چقدر آداب دارد. بعد از دوران خردسالی هم، روایات می‌گویند که وقتی بزرگ شد، باید روزه را به او یاد داد؛ نماز یادش داد؛ وضو یادش داد؛ من قبلاً اینها را گفته‌ام. از علی علیه‌السلام است که فرمود: «أَدَّبْ صِغَارَ أَهْلِ بَيْتِكَ بِلِسَانِكَ عَلَي الصَّلَوة وَالظُّهُور»؛ کوچکتهای خانواده‌ات را با زبانت برای نماز و وضو تربیت کن!

امام صادق علیه‌السلام: «يُؤَدَّب الصَّبِيُّ عَلَي الصُّوم»؛ بچه باید برای روزه گرفتن تربیت شود. بعد هم، سن این کار را مشخص می‌کند و می‌فرماید: این کار بین پانزده و شانزده سال انجام شود. از ظاهر شریعت باید شروع کرد. از شکل و شمایل، پوششت و صحبت کردند باید شروع کنی، تا برسی به روابطی که با دیگران- اشخاص صالح و فاسد- داری؛ همه اینها باید بر اساس شرع تنظیم شود تا باطن اصلاح گردد.

• **تذکره اول: فرق میان اصلاح ظاهر و ظاهرسازی**

اما من در اینجا باید به دو نکته اشاره کنم که مغالطه‌ای صورت نگیرد. اول اینکه ما یک ظاهر و باطن داریم و یک سرّ و علن. اینکه بزرگان می‌فرمایند: از ظاهر می‌توان به باطن رخنه کرد؛ یعنی اینکه اگر آدمی در تمام جهات مقتّد باشد که مطابق اسلام عمل کند، مثلاً از نظر پوشش، شکل و شمایل، گفتار و رفتار با دیگران و همه زندگی‌اش اسلامی باشد با تلاش کند که اسلامی باشد، در حقیقت از راه ظاهر، اقدام به اصلاح باطن کرده است. این فرق می‌کند، با کسی که مثلاً جلوی آدم چانماز آب می‌کشد؛ ولی از آن طرف. نعوذ بالله. در خفا دروغ می‌گوید و تهمت می‌زند و...
اولی ظاهرش درست است؛ هرچند هنوز باطنش اصلاح نشده است؛ ولی دومی سرّش با علنش فرق دارد. رفتار دومی فریب‌کارانه است و جنبه اصلاحی ندارد. یک سنخ مسائلی هست که چون از دورن افراد اطلاعی ندارید، شما هم از آنها سر در نمی‌آورید. مثلاً اگر من در گفتارم هیچ توجهی نکنم، دروغ بگویم، غیبت کنم، تهمت بزنم و... تو از کجا می‌فهمی که من دارم دروغ می‌گویم؟ به یک معنا، این سرّ من است. کار علنی کارساز نیست؛ بلکه باید تمام کارها و اعمال را اصلاح کرد تا درون درست شود.

• **ظاهرسازی و ریاکاری اثر ندارد**

ظاهر آراسته در باطن اثر می‌گذارد. نه این کارهای علنی که به‌همراه بسیاری از کارهای خلاف دیگر انجام می‌شود. اهل معرفت این حرف را نمی‌زنند که هر نوع ظاهرسازی، باعث اصلاح باطن می‌شود. یک وقت اشتباه نکنید! من این نکته را بگویم که ریاکاری اثری ندارد. کسی که تلاش می‌کند مسائل درآمدی‌اش و همه زندگی‌اش- نه فقط صوم و صلاة- همه و همه، اسلامی باشد، اگر بر این امر مراقبت کند، در باطنش اثر می‌گذارد. گفتمیکه به‌صورت ملکه، با تکرار و مراقبت برای انسان حاصل می‌شود. اگر تلاش کند که در معاملاتش، عباداتش، معاشرت و مجالساتش، همه و همه خلاف شرع انجام ندهد، مثلاً زانانش غیبت نکند، دروغ نگوید، تهمت نزند و ایذاء نکند، این از ظاهر به باطن رخنه می‌کند.

• **ظاهرسازی، نفاق است**

اما وقتی من جلوی تو دعا می‌خوانم، خم و راست می‌شوم، ادعای معنویت می‌کنم، دعای فرج می‌خوانم، دعای توسل می‌خوانم، سینه می‌زنم، باربهره راه می‌افتم، شال عزا به گردن می‌اندازم و امثال اینها -همه چیزهایی که جنبه فریبندگی دارد را می‌گویم- ولی در سرّ و خفا، به‌صورت پنهانی، کار خلاف انجام می‌دهم، این ظاهرسازی است و اثر سازندگی ندارد. مسأله نفاق، همین است. ظاهر و باطن را با سرّ و علن یک وقت اشتباه نکنید. می‌خواستم این را بگویم که تفاوت سرّ و علن، نفاق است. نفاق هم بدترین کارهاست، حتی می‌گویند از کفر هم بدتر است. در آیات ما هم این مضمون هست.

• **تذکر دوم: باید به تمام دین پای‌بند بود؛ نه بخشی از آن**

دومین تذکر این است که آداب شریعت، یک مجموعه است. یک بخش نیست؛ نماز و روزه و وضو و ذکر نیست که این را رعایت بکنی؛ اما مال مردم‌خوری کنی! هرگز این‌طور نیست که بتوانی، از دین عمل کنی و بخش دیگر را رها کنی. دستورات و احکام اسلام مجموعه است. مجموعه احکام شرعیه، همان احکام ظاهریه است که اگر اینها را رعایت کنی، بدون شک در تو اثر می‌گذارد؛ یعنی آن بُعد انسانی تو را شکوفا می‌کند و بُعد الهی تو را هم به ثمر می‌نشانند. اگر بپرسی از کجا شروع کنیم؟ پاسخ این است که از اینجا باید شروع کرد: پایبندی به تمام دستورات شرع.